



# سبک هندی

آموزه ۱۰:

## شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر با آموزه‌های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک اندیشی روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیلهای کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت.

● سبک هندی از اوایل قرن ... تا اواسط قرن ... هجری قمری به مدت ... در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. - یازدهم / دوازدهم /

۱۵۰ سال

● سبک‌های شعر پارسی: سبک خراسانی - بینابین (سبک آذربایجانی) - سبک عراقی - بینابین (مکتب وقوع) - سبک هندی

این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمونها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرد، حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زیان بار بود.

## ویژگی‌های سبک هندی

### الف) شعر:

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

### ۱. زبانی

**الف)** رو آوردن طبقات مختلف مردم که عمدتاً آموخته‌های ادبی نداشتند به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

**ب)** دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بریست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست. یکی از دلایل حذف ویژگی‌های سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی‌درپی بیگانگان مغولان، (تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد؛ فضلا دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند.



دومین دلیل حذف ویژگی‌های سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدما تنوع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند؛ چراکه شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

● **دلایل حذف مختصات سبکی قدیم در سبک هندی چیست؟** - (۱) حملات پی در پی بیگانگان مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد؛ فضلا دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند. (۲) تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود.

**پ)** لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در این دوره به حوزه شعر و ادب وارد شد.

**ت)** در این دوره با از بین رفتن سلطه حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از طرفی حملات تیموریان و ازبکان، سبب رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی گردید؛ به خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می‌گفتند.

**ث)** زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی توجهی به زبان، بی دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

● **زبان سبک هندی را باید زبانی ..... قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.** - واقع‌گرا

## ۲. ادبی

**الف)** به دلیل کم توجهی شاعران کوچک و بازار به آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره، استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در **مضمون سازی** نقش فعالی دارد (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک اند.

● **دو آرایه پرکاربرد و شاخص سبک هندی را نام ببرید؟** - حسن‌تعلیل، حس‌آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله.

**ب)** قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به چهل بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. دلیل این ویژگی آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک بیت گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر، این ابیات مستقل را به وسیله رشته قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیبی به شعر نمی‌زند.

● **قالب مسلط در دوره سبک هندی به ظاهر چیست؟** - غزل



**پ)** استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهم شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و...

● استفاده از **(ردیف‌های طولانی و خوش آهنگ/ ردیف‌های کوتاه و خوش ساخت)** نیز در شعر سبک هندی رایج است.

### ۳. فکری

**الف)** شعر هندی شعری معنی گراست، نه صورت گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان. معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره برای مضمون سازی، از هر پدیده‌ای در عالم طبیعت یا هر موضوعی در قلمرو ذهن استفاده کردند؛ اما آثار آنها همه در سطح باقی مانده و به خلق آثار بزرگی چون شاهنامه فردوسی، مثنوی مولانا یا آثار عطار، سنایی و نظامی منجر نشده است.

● شعر هندی شعری **(معنی گرا / صورت گرا) ست.**

**ب)** شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش تر نمی‌رود و نهایت اینکه تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی‌انگیزد.

**پ)** شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوه خود بازگو می‌کردند، گاهی چنین موضوعاتی با وجود داشتن ابهام، در اشعار آنان قابل درک تر و خلاصه تر بیان شده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی؛ اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب انگیز.

### ب) نثر:

در کتاب‌های این دوره سه نوع نثر می‌توان دید.

#### ۱- ساده

مراد از نثر ساده در این دوره، نثر مُرسل در آثاری مانند تاریخ بلعمی نیست. در نثر ساده این دوره، لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر یافت می‌شود. کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده اند:

الف) کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده اند:

■ کتب داراشکوه در هند

■ شرفنامه بدلیسی در عثمانی

■ بدایع الوقایع واصفی در ماوراءالنهر

ب) کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده اند:

در تاریخ:

■ تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی / تذکره: یادنامه

■ عالم آرای عباسی از اسکندربیک ترکمان



در عرفان:

■ **عين الحيات** از علی بن حسین واعظ کاشفی

در زندگی نامه:

■ **مجالس المؤمنین** از قاضی نورالله شوشتری

در فقه:

■ **جامع عباسی** از شیخ بهایی.

● هر یک از آثار ستون الف به کدام یک از موارد ستون «ب» مرتبط است: (یک مورد اضافی است).

الف	ب
الف) مجالس المؤمنین	۱- علی بن حسین واعظ کاشفی
ب) عين الحيات	۲- اسکندربیگ ترکمان
ج) عالم آرای عباسی	۳- قاضی نورالله شوشتری

## ۲- مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمانها و منشآت و دیباچه کتابها استفاده می‌شد؛ همچنانکه دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده اند از همه معروف تر عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب القلوب میرزا برخوردار فراهی است.

نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی ذوقی و غلط‌پردازی است.

● دوره صفویه نثر مصنوع در چه نوشته‌هایی استفاده می‌شد؟ - فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتابها

**منشآت:** نامه‌های هنری و ادبی

## ۳- بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسندگان در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب السیر از خواندمیر و احسن التواریخ از حسن بیگ روملو است.

● کتاب حبیب السیر از خواندمیر و عباس‌نامه وحید قزوینی به ترتیب دارای نثر ..... و ..... است. —

بینابین / مصنوع

● در دوره سبک هندی چند گونه نثر می‌توان دید؟ نام ببرد. — ساده، بینابین، مصنوع



**انواع  
«نثر»**

۱- ساده یا مرسل: چاکر او ابومنصورالمعمری به فرمان او نامه کرد و کس فرستاد به شهرهای خراسان. ویژگی: واژگان فارسی فراوان، سادگی واژگان و روانی ترکیب ها، جمله های کوتاه، بی پیرایگی یا آرایه های اندک.

۲- موزون (آهنگین): ای کریمی که بخشنده عطایی؛ و ای حکیمی که پوشنده خطایی. ویژگی: به کارگیری سجع.

۳- فنی: او را فرزندان در رسیدند و از کسب و حرفت اعراض نمودند و دست اسراف به مال او دراز کردند. ویژگی: واژگان عربی بیشتر از گذشته، آرایه های ادبی بیشتر، امثال و اشعار گوناگون از عربی و پارسی و اصطلاحات علمی.

۴- مصنوع: هر که را تسییر درجه طالع دولت به جرم قاطع محنت رسید خورشید اقبالش به زوال نامرادی کشید. ویژگی: لغات عربی بسیار دشوار و اصطلاحات علمی فراوان، دیرپاب بودن و فهم دشوار متن، آرایه های فراوان.

اینستاگرام: [jafari.saeed.ir](http://jafari.saeed.ir)      تلگرام: @JS.ir      [www.jafarisaeed.ir](http://www.jafarisaeed.ir)

## ویژگی های نثر این دوره

برخی از ویژگی هایی که کم و بیش در هر سه قلمرو نثر این دوره وجود دارد، عبارت اند از:

### الف) زبانی

۱- درآمیختگی نظم و نثر؛

۲- کاربرد وجه وصفی؛

● **وجه وصفی چیست؟** - اسم مفعولی است که نقش فعل را بازی می کند. گاه با واو می آید و گاهی بدون واو. فعل وصفی بدون زمان و شخص است و برای همه زمانها و همه اشخاص، به یک شکل به کار می رود؛ مانند:

■ دوستم از راه رسیده (و) با همه احوالپرسی کرد. [وجه وصفی]

■ دوستم از راه رسید و با همه احوالپرسی کرد. [شکل درست عبارت بالا]

۳- جمع بستن با «ات» که علاوه بر کلمات عربی (محاربات)، در واژه های فارسی (گیلانان) و ترکی و مغولی (بیلاقات) نیز به چشم می خورد؛

۴- مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛

۵- آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه؛

● **تتابع اضافات چیست؟** - آوردن چندین ترکیب اضافی و وصفی به هم پیوسته؛ مانند: دوست خوب دانشگاهی دانشگاه علامه من.

۶- آوردن جملات طولانی؛

۷- کاربرد افعال با پیشوندهای متعدّد؛

۸- فراوانی لغات ترکی و مغولی.

**تعارف:** به یکدیگر خوشامد گفتن / **تمجید:** ستودن

### ب) ادبی



نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و متن‌های ادبی نیز با تصنع و تکلف همراه است. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافته و در آرایه تلمیح نمودار شده است.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتابهای نثر که غالباً سروده خود مؤلفان است رواج داشته، به علاوه بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخته است. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبانها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت را در این دوره رواج داد.

### پ) فکری

تأثیر فساد و تیره بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی، یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست، خالی ماند. تاریخ نگاری این دوره از جمله عرصه‌هایی بود که از این حادثه بزرگ متأثر گردید؛ چونان که تواریخ عمومی این دوره در کنار نهادهای سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت نهادینه کردن فرهنگ تشیع گام برداشتند.

## خودارزیابی

۱- ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سروده زیر را استخراج کنید:

- ۱- روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام / چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام
- ۲- دست رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز / چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام
- ۳- اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی / نبض موجم در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام
- ۴- عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی / در چمن بیکار چون دست چنار افتاده‌ام
- ۵- همچو گوهر گر دلم از سنگ گردد دور نیست / دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام (صائب)

قلمرو فکری	قلمرو ادبی	قلمرو زبانی
سخن‌سرا دچار ناامیدی است. رنگ عرفان ساختگی و مصنوعی در شعر دیده می‌شود؛ و عرفان آن همانند عرفان مولانا و عطار راستین و عملی نیست.	کنایه‌های کوچه و بازار در شعر راه یافته است؛ مانند: «از چشم افتادن»، «گل پژمرده روی مزار بودن»، «گره باز کردن»	واژگان زبان شعر گسترش یافته است؛ مانند: نبض، عقده، چنار که در شعر گذشته دیده نمی‌شود.
سخنور در پی مضمون سازی است و مطالب کهن را به بیان سبک هندی درآورده است.	قالب شعر غزل است؛ ولی در حقیقت سخنور تک بیت گو است. ردیف ساده است.	واژگان ادبی کهن و مختصات زبان کهن در آن دیده نمی‌شود.
شعر معنی گراست نه صورت گرا	تعداد تشبیهات آن بسیار است.	واژه‌های عربی آن بسیار کم است و زبان شعر ساده.



### کالبد شکافی چامه «چشم اعتبار»

۱- روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام / چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام

**قلمرو زبانی:** شد: گشت / اعتبار: ارج، ارزش / چون: مانند / قلمرو ادبی: قالب: غزل / وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن / چشم اعتبار:

اضافه همراهی / از چشم افتادن: کنایه از بی ارزش شدن / چون نگاه آشنا: تشبیه

**بازگردانی:** روزگاری گشته است که من بی ارزش شده‌ام و یار هیچ میلی به سوی من ندارد.

**پیام:** بی ارزش شدن

۲- دست رغبت کس نمی‌سازد به سوی من دراز / چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام

**قلمرو زبانی:** مزار: زیارتگاه / رغبت: میل / قلمرو ادبی: دست رغبت: اضافه همراهی / درست دراز کردن: کنایه از چنگ زدن / چون گل

پژمرده: تشبیه

**بازگردانی:** مدتی است که هیچ کس میلی به من ندارد و مانند گلی شده‌ام که روی زیارتگاه‌ها یا گورها پژمرده است.

**پیام:** بی ارزش شدن

۳- اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی / نبض موجم در تپیدن بی قرار افتاده‌ام

**قلمرو زبانی:** افتاده‌ام: شده‌ام / قلمرو ادبی: چون گرداب: تشبیه / نبض موجم: تشبیه؛ جانبخشی

**بازگردانی:** من مانند گردابم که در سرگشتگی هیچ اختیاری ندارم. من مانند موجم و پیوسته در حرکت‌ام و بی قرار.

**پیام:** بی اختیاری و بی قراری

۴- عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی / در چمن بیکار چون دست چنار افتاده‌ام

**قلمرو زبانی:** عقده: گره / قلمرو ادبی: عقده‌ای باز کردن: کنایه از «حل کردن» / چون دست چنار: تشبیه / چمن: مجاز از باغ

**بازگردانی:** من هرگز مشکلات کسی را حل نکرده‌ام و همانند دست چنارم که در این جهان هیچ کاری برای دیگران انجام نداده‌ام.

**پیام:** نرساندن خیر به دیگران

۵- همچو گوهر گر دلم از سنگ گردد دور نیست / دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام (صائب)

**قلمرو زبانی:** گوهر: جواهر / قلمرو ادبی: همچو گوهر: تشبیه / ابر نوبهار: استعاره از خود سخنور زمانی که اشک می‌بارید و عاشق بود /

واج آرایی «گ» / مژگان: مجاز از وجود

**بازگردانی:** اگر مانند جواهر دلم از سنگ شود بعید نیست؛ زیرا از عشق دور افتاده‌ام و دیگر اشک از چشمانم روان نمی‌شود.

**پیام:** دور بودن از عشق

۲- بیتهای زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

**(الف)** ای گل که موج خنده ات از سر گذشته است / آماده باش گریه تلخ گلاب را (صائب)



**بازگردانی:** ای گل که قهقهه ات همه جا را پر کرده است، آماده باش که به زودی تو را در دیگ می‌ریزند و زمان گریه ات فرامی‌رسد.

**قلمرو زبانی:** را: به معنای «برای» / **قلمرو ادبی:** **جانبخشی:** خندیدن گل؛ گریه گلاب / **اضافه تشبیه:** موج خنده / **حس آمیزی:** گریه تلخ / از سر گذشتن: کنایه؛ اغراق / **تناسب و اشتقاق:** گل؛ گلاب  
**ب)** به یک کرشمه که در کار آسمان کردی / هنوز می‌پرد از شوق چشم کوکب‌ها **(صائب)**

**بازگردانی:** ای یار، با ناز و کرشمه ای که برای ستارگان انجام دادی، هنوز چشم ستاره‌ها از شوقی که به تو دارند می‌پرد.

**قلمرو زبانی:** **کرشمه:** غمزه و اشاره با چشم و ابرو / **کوکب:** ستاره / **قلمرو ادبی:** **آسمان:** مجاز از ستارگان / **جانبخشی:** چشم کوکب / **حس تعلیل:** چشمک زدن ستاره‌ها از شوق تو است.

۳- **سبک نثر دوره هندی را با نثر دوره عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.** – در هر دو سبک به علت نبودن استادان بزرگ و مراکز علمی ادبیات و نثر رو به سستی نهاد. ورود لغات ترکی و مغولی به زبان فارسی بیشتر شد. در کل نثر هر دو دوره ارزش ادبی والایی ندارد. سستی و ضعف در ساخت دستوری هر دو سبک دیده می‌شود. در هر دو دوره، اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر یافت می‌شود. در هر دو دوره صحت و اتقان مطالب کتاب‌ها کاسته شد. البته نثر مصنوع سبک هندی حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد. از تفاوت‌های دیگر این دو دوره می‌توان گفت در سبک هندی به کاربردن وجه وصفی و مطابقت صفت و موصوف و تابع اضافات بیشتر از سبک عراقی شده است و استفاده از واژگان عربی کمتر.

۴- **در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت‌نامه در دوره هندی تحلیل کنید.** – ۱- واژگان و کنایه‌های تازه ای از زبان کوچه و بازار همچنین از زبان ترکی و مغولی وارد شعر و نثر شد که در گذشته دیده نمی‌شدند. ۲- دیگر اینکه زبان پارسی وارد سرزمین هند شد و زبان مردم هند فارسی نبود؛ ازین رو نیاز به نگارش فرهنگ حس می‌شد.

۵- **بیت زیر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل کنید:**

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد / من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار **(عرفی شیرازی)** / **منجنیق:** دژکوب / **آبگینه:** شیشه

**بازگردانی:** آسمان مانند دژکوب است که بر ما سنگ بلا می‌بارد. من ابلهانه به خانه شیشه ای پناه می‌برم.

**قلمرو زبانی:** **منجنیق:** دژکوب / **آبگینه:** شیشه / **آبگینه حصار:** ترکیب وصفی و ارون / **قلمرو ادبی:** **منجنیق فلک:** اضافه تشبیهی / **سنگ فتنه:** اضافه تشبیهی / **من ابلهانه به آبگینه حصار گریزم:** کنایه از اینکه تدبیر من سودی ندارد / **سنگ آبگینه:** تضاد

۶- **وزن بیت زیر را بررسی کنید:**

تو این عهدی که با من بسته بودی / مگر بهر شکستن بسته بودی **(طالب آملی)**

**بازگردانی:** تو پیمانی با من بستنی؛ ولی از روز نخست در اندیشه شکستن آن بودی.

**خط عروضی:** ث این عهدی ک با من بست بودی / مگر بهر شکستن بست بودی





پایه‌های آوایی	ثَ این عَه دی	ک با مَن بَس	تِ بو دی
پایه‌های آوایی	مَ گَر بَه ر	ش گَس تَن بَس	تِ بو دی
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	فَعولُن
نشانه‌های هجایی	--- U	--- U	-- U

۷- متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:  
از طبقه علیّه شعرا که ناظم‌ان مناظم سخن‌پیرایی و پیرایه‌بندان سلسله معنی آرایی اند در آن هنگام در اردوی معلّٰ و ممالک محروسه،  
شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر بی شمار بودند. در اوایل حال حضرت خاقانی جنّت مکانی توجّه تمام به حال این طبقه بود.

(اسکندر بیگ ترکمان)

**علیه:** والا؛ بلندجایگاه / **ناظم‌ان:** نظم دهنده / **مناظم:** ج منظّم؛ قواعد / سخن‌پیرایی: پیرایشگری / **پیرایه‌بند:** آرایشگر / **سلسله:** زنجیر / **معلّٰ:** بلندجایگاه / **ممالک محروسه:** لقب کشور ایران در روزگار قاجار / **خاقان:** شاهنشاه / **جنّت مکان:** کسی که جایگاهش در بخش است

**بازگردانی:** شاعران نظم دهندگان قواعد شعری و پیرایشگر معنا یند. در آن هنگام در اردوی شاه و کشور ایران، از گروه والای شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر زیاد بودند. در اوایل پادشاهی حضرت شاه که جایگاهش در بهشت باد توجّه زیادی به حال شاعران می‌شد.  
**قلمرو زبانی:** هماهنگی صفت از موصوف از نظر مذکر و مؤنث بودن: طبقه علیّه؛ ممالک محروسه / **جمع عربی:** شعرا؛ مناظم؛ ممالک؛ اوایل / **واژگان عربی زیاد:** طبقه؛ علیّه؛ شعرا؛ ناظم‌ان؛ مناظم ... / **واژگان ناآشنای عربی:** معلّٰ؛ مناظم / **ترکیب سازی تازه:** سخن‌پیرایی؛ پیرانه‌بندان / **جمله طولانی و سستی جمله بندی / حشو یا آگنه:** شاعران سخنور و سخنوران بلاغت گستر / **تتابع اضافات:** ناظم‌ان مناظم سخن‌پیرایی / **قلمرو ادبی:** اشتقاق: ناظم‌ان، مناظم / **اضافه تشبیهی:** سلسله معنی آرایی / **متن آرایه درخور توجهی ندارد.** / **واج آرایی**